



تعاونی‌ها؛ راهکاری مناسب برای حل بحران بیکاری تحصیل کرده‌ها

حسین عربی

به ذکر است در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه کشور صراحتاً بر توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی‌گری دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین ارتقاء ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی آن تأکید شده است. سیاست تقلیل وظایف دولت و واگذاری برخی از فعالیت‌های اجرایی و تولیدی آن به سایر بخش‌های اقتصادی باید به گونه‌ای صورت گیرد تا از یک سو به کارآیی و ارتقاء بهره‌وری بخش دولتی منجر شود و از سوی دیگر رشد و توسعه همراه با بسط عدالت اجتماعی که مورد نظر و توجه مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری و از رهنمودهای مصوب برنامه چهارم توسعه است، محقق شود.

برای رسیدن به این جایگاه در برنامه پنجساله چهارم

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخش تعاونی دومین بخش نظام اقتصادی کشور است که کلیه شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع در سطح شهر و روستا را در بر می‌گیرد. از جمله مهمترین اهداف این بخش می‌توان به تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل، قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل لازم را ندارند، جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت و توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم اشاره کرد. از جمله راهکارهای نیل به این اهداف که در بند ۳ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است جلب و هماهنگی حمایتها، کمکها و تسهیلات و امکانات دولتی و عمومی جهت تقویت بخش تعاونی با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط می‌باشد. اکنون کوچک و محدود شدن بخش دولتی و کاهش تصدی‌گری آن و متقابلاً افزایش سهم بخش‌های تعاونی و خصوصی از اهداف برنامه چهارم توسعه می‌باشد. لازم

بخش اعظم بقیه آنان نیز به صورت غیر مستقیم در اثر سرمایه گذاریهای دولتی، امکان یافتن شغلی فراهم می شده است. اما امکان تداوم این روند طی چند سال گذشته به دلایل گوناگون، با محدودیتهای روزافزونی همراه بوده و نتیجه آن نیز به صورت شتاب گیری قابل تامل نرخ رشد بیکاری فارغ التحصیلان طی سالهای اخیر ظاهر شده است و پیش بینی می شود که لااقل در چارچوب جهت گیری های برنامه چهارم توسعه کشور بویژه به واسطه کوچک سازی دولت طی سالهای آتی در این زمینه با مشکلات جدی تری روبرو باشیم.

پیامدهای ناشی از عدم اشتغال فارغ التحصیلان

یکی از این مشکلات، پدیده شوم فرار مغزها است که رابطه تنگاتنگی با توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم دارد و کشور ما نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با این پدیده دست به گریبان می باشد. فرار مغزها به معنی مهاجرت وسیع متخصصان، محققان، دانشمندان و متفکران از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته است. این پدیده در حالی رخ می دهد که عصر کنونی به زعم تافلر عصر دانایی است، عوامل تعیین کننده و اساسی آن عبارتند از عوامل منحصرأ انسانی مانند خلاقیت، ابتکار، انتشار اطلاعات، انعطاف پذیری و عواملی از این قبیل. اگر تاکنون کشورها به منابع طبیعی وابسته بودند اکنون رقابت اقتصادی در کشورها بیش از پیش به منابع انسانی آموزش دیده وابسته است؛ با این اوصاف فرار مغزها به معنی از دست رفتن همزمان سرمایه های مادی و معنوی (علمی و فرهنگی) کشور است. عوامل متعدد و مختلفی در بروز این پدیده دخالت دارد که با استفاده از چارچوب نظری مرکز - پیرامون این عوامل را می توان در دو دسته دافعه های پیرامون (کشورهای جهان سوم) و جاذبه های محوری با مرکزیت (کشورهای پیشرفته) دسته بندی کرد. نقش اساسی را در مرحله اول دافعه های پیرامون به عهده دارند.

جاذبه های مرکزی به عنوان مکمل و کاتالیزور عمل می کنند. حتی بعضی از جاذبه های مرکز کاذب می باشد که به دلیل عدم ارائه تصویر حقیقی کشورهای مرکز توسط کشورهای پیرامون، این جاذبه های کاذب ایجاد می شوند و قشر تحصیل کرده و فرهیخته به دنبال بستر مناسبی است تا به آموزه های علمی و فرهنگی خویش جامه عمل بپوشاند و وقتی در جامعه تمرین این آموزه ها را میسر نمی بیند گاه با موانع ساختاری اجتماعی و فرهنگی مواجه می شود و اکثریت

توسعه برخی از اهدافی که مد نظر بخش تعاونی است عبارتند از ترویج و توسعه مشارکتهای مردمی، ایجاد اشتغال جدید و پایدار، قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری مستقیم از حاصل کار خود، بهره گیری بیشتر از امکانات و ارتقاء بهره وری، جلب مشارکت بیشتر مردم در اداره بنگاههای اقتصادی و ترویج فرهنگ کار و تولید بیشتر با این دیدگاه و با این هدف که خدمتگزاران بخش تعاون علاقه مندند امکانات این بخش را حتی الامکان در اختیار جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهها و در قالب تشکلهای تعاونی در چارچوب اجرایی طرحهایی که توجیه اقتصادی دارند قرار دهند.

اهداف بیان شده مستند به قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی دولت می باشد که در قالب اهداف کمی طی برنامه در بخشهای کشاورزی، صنعت، معدن، عمران، مسکن تشکیل و توسعه تعاونیهای فراگیر شهری و روستایی، خدمات تامین نیاز مصرف کنندگان و تولید کنندگان اعتبار - صادرات مجتمع ها و شهرک های تعاون تحقق پیدا خواهد کرد. بنابراین مشارکت همه جانبه افشار مختلف بخصوص فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش فنی و حرفه ای می تواند بخش تعاون را به جایگاهی که مورد نظر مسؤولین محترم نظام است برساند.

چالشهای اساسی فارغ التحصیلان دانشگاهها

مسأله بیکاری طی سالهای اخیر به عنوان یکی از چالشهای اساسی اقتصادی - اجتماعی و در زمره مهمترین تهدیدات امنیت و توسعه ملی مطرح شده است. در این میان مسأله بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی از حساسیت و اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. نخست به دلیل آنکه بخش قابل توجهی از منابع مادی و انسانی محدود کشور صرف تربیت این گروه می شود و در درجه بعدی طی دهه های اخیر به نحو فزاینده ای سطح پیشرفت و توسعه هر کشور تحت تاثیر

نحوه استفاده از سرمایه های انسانی قرار گرفته است و فارغ التحصیلان مظهر و نمونه اعلاای سرمایه های انسانی جامعه محسوب می شوند. همچنین به دلیل آنکه آثار و عوارض سوء سیاسی - اجتماعی بیکاری فارغ التحصیلان به مراتب شدیدتر از سایر بیکاران است، طبیعی است که به این مسأله اهمیت ویژه ای داده شود. تا آنجا که به مورد خاص کشورمان مربوط می شود، طی چند دهه گذشته همواره دولت برای بالغ بر سه چهارم فارغ التحصیلان کشور مستقیماً فرصت شغلی فراهم می آورده و برای

فرار مغزها در حالی رخ می دهد که عصر کنونی به زعم تافلر عصر دانایی است، عوامل تعیین کننده و اساسی آن عبارتند از عوامل منحصرأ انسانی مانند خلاقیت، ابتکار، انتشار اطلاعات، انعطاف پذیری و عواملی از این قبیل.

قریب به اتفاق ناچار با این وضع می‌سازند و سعی می‌کنند گوشه‌ای از آنرا تصحیح کنند و تعدادی نیز به طرف کشورهای مرکز کشیده می‌شوند و در واقع توسط آن بلعیده می‌شوند و عقب ماندگی در کشورهای جهان سوم تشدید می‌شود و در واقع این قضیه به عنوان یکی از اهرمهای عدم توسعه عمل می‌نماید. دست آخر این پدیده شکاف بین کشورهای مرکز پیرامون را وسیعتر و عمیقتر می‌کند زیرا همانطور که گفته شد در عصر کنونی که عصر دانایی است نیروی انسانی متخصص به جای منابع طبیعی منبع رقابتی کشورها را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که اگر به سرعت در جهت زمینه سازی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت دانشمندان و محققان اقدام ننماییم یکی از عوامل موثر در توسعه را براحتی از دست خواهیم داد همانگونه که تا کنون هم شاهد این قضیه بوده ایم.

نگاهی به وضعیت بیکاری و آمارهای اقتصادی موجود

بر اساس اعلام خیرگزاری مهر (به نقل از نشریه میدل ایست پالیسی) در گزارشی از اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۵ نرخ بیکاری به طور متوسط ۱۲/۵ درصد بوده است. رشد اقتصادی ایران نیز در سال ۲۰۰۵ به ۵/۴ درصد رسید و این در حالی است که رشد تولید ناخالص داخلی بخش غیر نفتی ۵/۸ درصد تخمین زده می‌شود. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۰۵ مصرف بخش دولتی در ایران ۴/۱ درصد و مصرف بخش خصوصی نیز ۶/۵ درصد رشد یافته است. این نشریه همچنین متوسط نرخ تورم را در ایران ۱۴/۱ درصد و رشد نقدینگی در اقتصاد ایران را در سال ۲۰۰۵، ۲۸/۹ درصد اعلام نموده است. این نشریه در پایان رشد جمعیت ایران را در سال ۲۰۰۵، ۱/۶ درصد برآورد کرده است. شایان ذکر است بانک جهانی نیز به نقل از روزنامه کیهان نرخ رسمی بیکاری در ایران را در سال ۲۰۰۵ میلادی برابر ۱۱/۲ درصد تخمین زده است. بررسیها و آمارهای موجود، پیش بینی‌های برنامه سوم توسعه مبنی بر کاهش نرخ بیکاری از ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ را تایید می‌کند.

نظر فرصتها و تهدیدات مطرح نموده اند. توجه به امر بیکاری و تلقی آن به عنوان بزرگترین دغدغه کشور بیانگر اهمیت بالای این مسأله می‌باشد. دلیل این بیکاری، رکود فعالیت‌های تولیدی و عمدتاً کاهش تولیدات صنعتی است که عامل آن فرار سرمایه‌ها، جنگ تحمیلی و توقف بسیاری از تولیدات در مناطق جنگی، سرازیر شدن سرمایه‌های بخش خصوصی به سوی خدمات (که کمتر اشتغالزاست)، جوانی جمعیت و در نهایت فزونی عرضه بر تقاضای نیروی کار است.

به طور مسلم با در نظر گرفتن فرآیند رشد جمعیت و جوان بودن جمعیت تعیین خط مشی‌ها، سیاستها و برنامه ریزیهای اشتغال امری اجتناب ناپذیر است. افزایش تعداد شاغلان و امکان گسترش فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی با میزان سرمایه گذاری و روند توسعه اقتصادی رابطه مستقیم دارد و افزایش درآمد سرانه، درآمد ملی و تولید ناخالص ملی بدون توجه به سیاست اشتغال و استفاده حداکثر از نیروی انسانی از مسائلی است که باید در ارتباط با سیاستهای کلی رشد و توسعه و تخصیص منابع و امکانات در بین بخشهای مختلف اقتصادی مدنظر قرار گیرد. بنابراین ضروری است تمهیداتی جامع و پایدار اندیشیده شود تا از بحرانی عظیم اجتناب گردد.

از سوی دیگر در سال‌های آتی شانس استخدام در بخش دولتی برای فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و جوانان بسیار کمتر خواهد شد و در چنین شرایطی اندیشیدن، مطالعه و تحقیق برای دستیابی به راهکارهای نوین برای ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری از اهمیت و حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌باشد.

نظر به اهمیت موضوع از میان، طرح‌ها و راهکارهای اجرایی متعدد و متفاوت در زمینه اشتغال و فرصت‌های شغلی و حل و فصل مشکل بیکاری بویژه برای جوانان و فشر تحصیلمکرده پیشنهاد شده از سوی متخصصان و صاحب نظران، این مقاله بر آنست موضوع اشتغال و بیکاری را در فرآیند توسعه تعاونی‌ها و برپایه اهداف بخش تعاون بویژه برای گروههای تحصیلمکرده و کارآفرین بررسی نماید.

مزینهای بخش تعاون برای ایجاد اشتغال و توسعه
 با توجه به آمار و ارقام و مستندات موجود برای تکمیل خلاء مربوط به افزایش ظرفیت اشتغال و نیز پاسخگویی به تقاضای اشتغال جدید (با توجه به روند رو به افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهی) ضروری است تمهیدات جامع و پایداری اندیشیده شود تا از بحرانی قریب الوقوع اجتناب گردد. واقعیت دیگر آن است که در برنامه چهارم توسعه تصمیم گرفته شده است تا از تصدی

اگر به سرعت در جهت زمینه سازی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت دانشمندان و محققان اقدام ننماییم یکی از عوامل موثر در توسعه را بر احتی از دست خواهیم داد همانگونه که تا کنون هم شاهد این قضیه بوده ایم.

بر اساس پیش بینی‌های به عمل آمده در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) رشد جمعیت بیکار ۴/۲ درصد تخمین زده می‌شود که در مقایسه با رشد جمعیت بیکار در سالهای ۸۰-۷۰ (رقم ۴/۷ درصد) بسیار قابل توجه است.
 مسأله اشتغال در سالهای اخیر تقریباً به صورت بحث مسلط و غالب در کشور مطرح بوده است و همه بزرگان نظام، مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری و مجلس محترم شورای اسلامی به این امر بسیار مهم توجه دارند و مسائل فراروی آنرا از

گری بخش دولتی کاسته شود و متعاقبا سهم و جایگاه بخشهای تعاونی و خصوصی افزایش یابد و این مهم محقق نمی شود مگر با ایجاد جهش عظیم در توسعه بخش تعاونی. چنین تصمیمی موید آن است که برای فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در بخشهای تعاونی و خصوصی باید فرصتهای شغلی جدید ایجاد شود و با کوچکتر و کارآتر شدن بخش دولتی، مشارکتهای اقتصادی مردم در قالب بخشهای تعاونی و خصوصی توسعه یابد که با توسعه این بخشها که به مفهوم واقعی مشارکت مردم در فعالیتهای و امور خودشان می باشد، انتظار می رود که هم توقعات مردم از دولت تقلیل یابد و هم اشتغال بیشتری در جامعه ایجاد شود.

موارد اهمیت بخش تعاونی در زمینه حل مشکلات موجود عبارتند از:

۱- انسان محوری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظریه های جدید توسعه، انسان را محور توسعه می دانند و بخش تعاونی تنها بخش اقتصادی است که در آن تصمیم گیریها مستقل از میزان سهم افراد و تنها توسط رای هریک از اعضا شرکت‌های تعاونی صورت می پذیرند. اصل "هر عضو یک رای" از اصول مهم تعاون است.

۲- تحقق قانون مداری و بسط جامعه مدنی

اساس جامعه مدنی بر قانون مداری و بسط و توسعه نهادهای مدنی است که مردم از طریق آنها حقوق و مطالبات خود را پیگیری نمایند. تعاونی‌ها از جمله نهادهایی هستند که بر اساس قانون تشکیل شده و فعالیت می نمایند و در ساختار آنها وجود بازرسی یا بازرسان برای نظارت بر حسن اجرای قانون پیش بینی شده است. اعضای هیأت مدیره نیز به شکل دموکراتیک انتخاب می شوند و بدین وسیله عموم مردم با اصول قانون مداری، دموکراسی و تعیین سرنوشت خود آشنا می گردند.

۳- توسعه مشارکت مردمی

جلب مشارکت مردم در اداره امور هر کشور از اهم مواردی است که برای توسعه همه جانبه کشور لازم است. تعاونی‌ها با توجه به ویژگیهای خود توانسته اند مشارکت مالی و فکری اقشار مختلف

مردم را جلب نمایند و از این طریق پس اندازهای کوچک مردم و همچنین توان فکری آنها را در فرآیند تولید کالاها و خدمات بکار اندازند.

۴- اصلاح ساختارهای تولید و توزیع

تجارب موجود نشان می دهند که کارایی کمتر بخش دولتی و خصلت سودجویانه بخش خصوصی همواره ساختارهای تولید و توزیع کالاها و خدمات را در کشور تحت تاثیر قرار می دهد. به نظر می رسد بخش تعاون با کارایی بیشتر و نگرش اجتماعی تر به موضوع کار و فعالیت بتواند تحولات لازم را در کسب سلامت نظام تولید و توزیع کالاها و خدمات

و کنترل قیمت‌ها در جامعه معمول دارد.

۵- ایجاد اشتغال برای جمعیت فعال

ایجاد اشتغال مولد برای جمعیت فعال از جمله اهداف کلیه نظامهای سیاسی و اداری کشورهاست. با توجه به اینکه اکثریت جمعیت ایران را جوانان تشکیل می دهند، جذب و بکارگیری این افراد در فعالیتهای مختلف اقتصادی از طریق بسط تعاونی‌ها میسر است زیرا همانطور که اشاره شد دولت باید کوچکتر شود و بخش خصوصی نیز به تنهایی اهداف عدالت جویانه را بر آورده نمی سازد.

۶- ارتقای بهره وری ملی و ویژه بهره وری نیروی کار

با توجه به شاخصهای موجود در زمینه بهره وری در کشور و در نظر گرفتن اینکه فعالیتهای تعاونی بیشتر کاربر هستند تا سرمایه بر و نیز به دلیل وجود انگیزه مالکیت در اعضا تعاونی، انتظار می رود که ارتقاء بهره وری از طریق بسط فعالیتهای تعاونی بیشتر حاصل گردد.

۷- بسط عدالت اقتصادی و اجتماعی

ارزش افزوده فعالیتهای اقتصادی که ثمره و ارزشهای اضافی ایجاد شده توسط فعالیتهای اقتصادی یک جامعه در طول یک سال می باشد بین ۴ عامل ایجاد کننده آن به شرح زیر تقسیم می گردد:

الف- جبران خدمات کارکنان که سهم نیروی کار از ارزش افزوده می باشد.

ب- مصرف سرمایه های ثابت که استهلاک نام گذاری شده و سهم دولت از ارزش افزوده

ج- مالیات ها بر تولید و واردات (منهای یارانه ها) که سهم دولت از ارزش افزوده می باشد.

د- مازاد عملیاتی (سود، بهره و...) که سهم کارفرما و صاحبان سرمایه از ارزش افزوده می باشد.

در شرکت‌های تعاونی با توجه به اصول و موازین حاکم بر آن، هم سرمایه های مورد نیاز از تجمع سرمایه های اندک اعضا تعاونی حاصل می شود و هم اینکه معمولا اعضا شرکت تعاونی در این شرکت‌ها شاغل می باشند و در نتیجه، اولاً

سرمایه دار بزرگ در شرکت‌های تعاونی کمتر یافت می شود و ثانیاً به دلیل توزیع ارزش افزوده حاصل بین نیروی کار و صاحبان سرمایه اندک از تجمع و تکاثر ثروت و سود بین تعداد معدود سرمایه دار بزرگ، همانطور که در فعالیتهای بزرگ اقتصادی بخش خصوصی رایج و معمول است اجتناب می شود. عملکرد صحیح این ویژگی مهم یعنی توزیع منافع و دستاوردهای اقتصادی بین گروه کثیری از نیروی کار و صاحبان سرمایه (اعضای تعاونی‌ها)، در مقایسه

تعاونی‌ها با توجه به ویژگیهای خود توانسته اند مشارکت مالی و فکری اقشار مختلف مردم را جلب نمایند و از این طریق پس اندازهای کوچک مردم و همچنین توان فکری آنها را در فرآیند تولید کالاها و خدمات بکار اندازند.

راهکارهایی برای ایجاد اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهها

برای پاسخگویی درست به مشکل بیکاری، خوشبختانه کشور ایران دارای استعدادها، ظرفیتهای و تواناییهای خدادادی، طبیعی و انسانی بسیاری است که اگر به درستی شناسایی شود و مورد استفاده قرار گیرد می تواند مشکل فوق را مهار نماید. در سراسر مین اسلامى و از نقاط شهری و روستایی استانهای کشورمان، امکانات و توانمندیهای بسیاری به صورت بالقوه و بالفعل وجود دارد که اگر به درستی شناسایی و طبقه بندی و در قالب سازماندهی مدیریتی مناسب مورد استفاده قرار گیرد می تواند فعالیت های مولد و اشتغالزای بسیاری را حاصل نماید که هم فارغ التحصیلان دانشگاهها و هم جوانان و زنان جویای کار را پوشش دهد.

آمارهای موجود نشان می دهند که جوانان دانش آموخته دانشگاهها در رشته های مختلف علمی و با استعدادهای بالا همراه با مزیت نسبی ارزشی دستمزد و انرژی و بازار مصرف ۶۸ میلیون نفری داخل کشور از جمله امکانات بالقوه ای است که می تواند با مطالعه، تدبیر، مدیریت و سازماندهی مناسب به ایجاد فعالیت های تولیدی، صنعتی و خدماتی مولد و اشتغالزا منجر گردد.

واقعیت دیگری که در این زمینه مطرح است این است که چون کاهش تصدی گری بخش دولتی و منطقی نمودن اندازه دولت مورد تاکید برنامه چهارم است لذا استخدام جوانان دانش آموخته دانشگاهها در دستگاههای دولتی همچون سال های گذشته امکان پذیر نیست و لاجرم جوانان بایستی در بخشهای تعاونی و خصوصی در جستجوی کار و فعالیت باشند؛ در عین حال فعالیت در بخش خصوصی مستلزم داشتن سرمایه و امکانات مالی بسیار است که با خصوصیات و ویژگی های بسیاری از جوانان دانش آموخته دانشگاهها پس از پایان تحصیلات و خدمت سربازی سازگار نیست در نتیجه فشار کت جوانان در تشکلهای تعاونی و تجمع سرمایه های اندک و اندوخته های علمی آنها در کتب تسهیلات مالی و فنی بخش تعاون یک راهکار مناسب، جدید و پایدار برای ایجاد اشتغال فارغ التحصیلان و مهمتر از آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور راهکار بسیار مناسب و مفیدی است که می تواند دستیابی به اهداف بسیاری را در زمینه اصلاح ساختارهای تولیدی، اشتغال، تورم، صادرات و بخصوص بسط عدالت اجتماعی به ارمغان بیاورد.

منابع:

- خلاصه مقالات همایش بررسی مشکلات و چشم انداز اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی، ۹ و ۱۰ خردادماه ۱۳۷۹، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- سند ملی توسعه بخش تعاون، ویرایش چهارم: دی ماه ۱۳۸۴.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

با عملکرد بخش خصوصی که گرایش دارد سهم عمده ارزش افزوده به صاحبان سرمایه های بزرگ تعلق گیرد، باعث می شود تا تامین عدالت اقتصادی و از آن طریق، بسط عدالت اجتماعی از طریق توسعه بخش تعاون بهتر، کاملتر و سریعتر حاصل شود. با عنایت به بیانات محترم آقای ناظمی اردکانی در سیاستها و برنامه ریزی های دولت برای ایجاد اشتغال، اولویت به بخش تعاونی داده شده است، بنابراین باید منابع مالی لازم را به سمت بخش تعاون هدایت کرد. باید تلاش نمود و توانمندیهای بخش تعاون را به اثبات رساند و از طریق فرهنگ سازی و توجه به افکار عمومی، شرکت های تعاونی برتر را معرفی و فرهنگ تعاون را در تمامی سطوح ترویج نمود."

بر اساس سند توسعه بخش تعاون توزیع فرصتهای شغلی در بخش تعاونی طی سال های برنامه چهارم به شرح زیر است:

هزار نفر

واحد	زنان	مردان	جمع کل
تعداد	۷۲۵	۱۶۹۵	۲۴۲۰
درصد	۳۰٪	۷۰٪	۱۰۰٪

هزار نفر

واحد	فارغ التحصیلان دانشگاهی			سایرین	جمع کل
	زنان	مردان	کل		
تعداد	۴۳۵	۴۸۵	۹۲۰	۱۵۰۰	۲۴۲۰
درصد	۱۸٪	۲۰٪	۳۸٪	۶۳٪	۱۰۰٪

هزار نفر

واحد	جوانان ۲۰-۲۹ ساله			سایرین	جمع کل
	زنان	مردان	کل		
تعداد	۶۰۵	۱۲۱۰	۱۸۱۵	۶۰۰	۲۴۲۰
درصد	۲۵٪	۵۰٪	۷۵٪	۲۵٪	۱۰۰٪

با توجه به جهت گیری برنامه چهارم توسعه و اهمیت به گسترش فعالیت های بنگاه های غیردولتی و نظر به عملکرد مثبت تعاونی ها در گذشته می توان به روند رو به رشد تعاونی ها امیدوار بود. علاوه بر رشد کمی تعاونی ها، رشد کیفی شاخصهای اجتماعی و اقتصادی کشور نیز از طریق گسترش این نوع شرکت ها به دلیل مزایای نسبی قابل پیش بینی می باشد.